



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

عید فطر مبارکباد



شهادت امام محمد تسلیت باد

این (عید فطر) عید کسی است که خدا روزه اش را پذیرفته و نمازش را ستوده است. و هر روز که خدا را نافرمانی نکند آن روز عید است.
فی بعض الأعیاد إنما هو عید لمن قبل الله میامه و شکر قیامه و کل یوم لا یعضی الله فیهِ فهو عید
امام علی (علیه السلام)
نهج البلاغه، ص ۵۱، شماره ۴۲۸

تقویم و روز شمار ماه رمضان

- ۱ شوال: عید فطر
- ۱۵ شوال: درگذشت حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) (سال ۲۵۲ ه.ق)
- ۲۵ شوال: شهادت امام صادق (علیه السلام) (سال ۱۴۸ ه.ق)
- ۳ خرداد: فتح خرمشهر در عملیات بیت المقدس و روز مقاومت، ایثار و پیروزی
- ۴ خرداد: روز دزفول، روز مقاومت و پایداری

در این شماره اسوه می خوانیم:

شهادت «صدیقه رودباری» از قاب اسوه	ایمان داریم که ما را یاری خواهی کرد
گروهی غذا خوردن	عید فطر، روز طهارت و پاکیزگی
ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است	اوضاع اجتماعی عهد امام صادق (علیه السلام)
فاتح خرمشهر شهید شد	سبک زندگی کوثری (قسمت بیستم: سوره مبارکه تین)
ما چشم به راه و منتظر صدای آسمانی شما هستیم	تربیت در محیط خانواده (قسمت سی و سوم)

ایمان داریم که ما را یاری خواهی کرد

فخری مرجانی

یکماه را به نام و یاد تو روزه گرفتیم. چشم و دل و دهان بر آنچه تو نمی پسندیدی بستیم تا به تو نزدیک شویم و از جهانی پر از فتنه آسوده گردیم. دل و تن و روحمان را جرم سنگین گناه، آلوده بود. دست نیاز به سوی تو آوردیم تا آلودگی‌ها را از روح و نفس و دلمان بزدايي؛ زیرا دانستیم که گناهان بسیار که بر دلمان نشسته است مانع رسیدن ما به توست و تو را از ما دور تر و دور تر می کند. دانستیم که گناهان مانع ترقی و کمال ماست.

دانستیم که بسیار ضعیفیم از اینکه بخواهیم این جرم‌های شدید گناه را از تنمان بزداييم.

دانستیم که اگر بخواهیم به ما ظرفیت و لیاقت بدهی باید به ضعف و ناتوانی خود در برابر تو پی ببریم و به این ایمان برسیم که «لا حول و لا قوة الا بالله»؛ هیچ اراده و قوه‌ای غیر از تو نیست و ما همه در اراده تویم. دانستیم که اگر به ما عنایت کنی و همه نعمت‌هایت را به ما بدهی، هیچ از نعمت‌هایت کم نخواهد شد.

دانستیم که اگر بخواهیم حق در ما نفوذ کند و همیشه همراه ما باشد باید حق را بشناسیم و سپس شیفته و شیدای حق شویم و با عمل کردن به آن پایبند باشیم. و در این راه باید هیچ تکبر و غروری نداشته باشیم، متواضع و فروتن به درگاہت بیاییم تا حق در ما نفوذ کند.

و ما خود را به تو سپردیم که تو بهترین خیرات را نصیب وجود ناتوان ما کنی و در ایام پایانی ماه مبارک با آقا جانمان امام سجاد (علیه السلام) هم‌آوا شدیم که «وَأَمَحَقُّ ذُنُوبَنَا مَعَ امَّحَاقِ هَلَالِهِ وَاسْلَخُ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ».

و ما ایمان داریم همان‌گونه که در نبردهای سهمگین پشتیبان ما بوده‌ای و در نبرد بزرگ، سرنوشت‌ساز و غرور آفرین بیت‌المقدس، خرمشهر را از سلطه نیروهای مهاجم عراقی نجات دادی و ضربه‌ای سهمگین و کمرشکن به توان رزمی و جنگ طلبی‌های دشمن مهاجم وارد ساختی، اکنون نیز ایمان داریم که ما را اجابت خواهی کرد؛ و نفوس همه ما را از آلودگی‌ها پاک خواهی کرد و ما را بر دشمنان، مسلط خواهی نمود. (آمین یا رب العالمین)



عید فطر، روز طهارت و پاکیزگی

آن طوری که از مجموع آنچه مربوط به عید فطر و عید قربان است، استفاده می‌شود، این روز شریف، روز طهارت و تزکیه و پاکی و پاکیزگی است. در یکی از این دو سوره‌ای که در نماز عید خوانده می‌شود، می‌فرماید: «قد افلح من تزکی»؛ یعنی آن کسی که خود را پاکیزه کند و دامن و روح و دل خود را از آلودگی‌ها نجات دهد، از فلاح برخوردار است.

فلاح، یعنی موفقیت در میدان زندگی و رسیدن به هدف آفرینش. در سوره رکعت دوم می‌فرماید: «قد افلح من زکیها»؛ عیناً همان مضمون است. یعنی کسی که بتواند جان خود را تزکیه و پاکسازی کند، به فلاح و رستگاری دست یافته است. در هر دو سوره، صحبت از تزکیه و طهارت و پاکیزگی است.

علاوه بر این‌ها، در این روز، یک واجب مالی وجود دارد که عبارت از ادای زکات فطر است. زکات هم آن تعبیه مالی‌ای است که موجب طهارت انسان می‌شود: «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها». گرفتن این واجب و این صدقه مالی از مردم، موجب طهارت روح و پاکسازی آن‌ها از دنائت‌ها و لثامت‌ها و حرص و بخل و بقیه آلودگی‌هاست.

عزیزان، برادران و خواهران من؛ نمازگزاران عزیز! پس، روز عید فطر، روز طهارت و پاکیزگی است. ممکن است این پاکیزگی، به خاطر آن باشد که یک ماه روزه گرفته‌اید، ریاضت کشیده‌اید و خود را از آلودگی‌ها پاک کرده‌اید. ممکن است علاوه بر این، به خاطر آن باشد که در چنین روزی، با حضور در این میدان عبادت، به عبادت دسته‌جمعی روی آورده‌اید. به هر حال، مسئله این است که انسان مسلمان بعد از ماه رمضان در روز عید فطر، در عرصه طهارت و تزکیه است.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر؛ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

اوضاع اجتماعی عهد امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) در عصر و زمانی واقع شد که علاوه بر حوادث سیاسی، یک سلسله حوادث اجتماعی و پیچیدگی‌ها و ابهام‌های فکری و روحی پیدا شده بود، لازم‌تر این بود که امام صادق (علیه السلام) جهاد خود را در این جبهه آغاز کند. مقتضیات زمان امام صادق (علیه السلام) که در نیمه اول قرن دوم می‌زیست، با زمان سیدالشهدا (علیه السلام) که در حدود نیمه قرن اول بود، خیلی فرق داشت.

در نیمه قرن اول، در داخل کشور اسلامی برای مردانی که می‌خواستند به اسلام خدمت کنند، یک جبهه بیشتر وجود نداشت و آن جبهه مبارزه با دستگاه فاسد خلافت بود، سایر جبهه‌ها هنوز به وجود نیامده یا اگر به وجود آمده بود اهمیت پیدا نکرده بود، حوادث عالم اسلام همه مربوط به دستگاه خلافت بود و مردم از لحاظ روحی و فکری هنوز به بساطت و سادگی صدر اول زندگی می‌کردند.

اما در زمان‌های بعد تدریجاً به علل مختلف جبهه‌های دیگر به وجود آمد؛ جبهه‌های علمی و فکری. یک نهضت علمی و فکری و فرهنگی عظیم در میان مسلمین آغاز شد. نحله‌ها و مذهب‌ها در اصول دین و فروع دین پیدا شدند. به قول یکی از مورخین، مسلمانان در این وقت از میدان جنگ و لشکرکشی متوجه فتح دروازه‌های علم و فرهنگ شدند. علوم اسلامی در حال تدوین بود. در این زمان یعنی در زمان امام صادق (علیه السلام) از یک طرف زد و خورد اموی‌ها و عباسی‌ها فترتی به وجود آورد و مانع بیان حقایق را تا حدی از بین برد، و از طرف دیگر در میان مسلمانان شور و هیجانی برای فهمیدن و تحقیق پیدا شد، و لازم بود شخصی مثل امام صادق (علیه السلام) این جبهه را رهبری کند و بساطت تعلیم و ارشاد خود را بگستراند و به حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق پردازد. در زمان‌های قبل چنین زمینه‌ها و استعداد و قابلیت و شور و هیجانی در مردم نبود.

زمان امام صادق (علیه السلام) زمانی بود که برخورد افکار و آرا و جنگ عقاید شروع شده بود و ضرورت ایجاب می‌کرد که امام کوشش خود را در این صحنه و در این جبهه قرار دهد. سیدالشهدا (علیه السلام) دانست که شهادتش اثر بیشتری دارد، لذا قیام کرد و شهید شد و اثرش هنوز هم باقی است. امام صادق (علیه السلام) فرصت را برای تعلیم و تاسیس کانون علمی مناسب دید، لذا به این کار همت گماشت. امام صادق (علیه السلام) باعث شد که شیعه، در صف مقدم سایر فرق، در علوم اسلامی پیشقدم و مؤسس باشد، یا لااقل دوش به دوش دیگران حرکت کند و در همه رشته‌ها از ادب و تفسیر و فقه و کلام و فلسفه و عرفان و نجوم و ریاضی و تاریخ و جغرافیای کتاب‌ها نوشت و رجال بزرگ بیرون داد و عالی‌ترین و نفیس‌ترین آثار علمی را به جهان تحویل داد.

منبع: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸ (با تلخیص)





سبک زندگی کوثری

(از ناس تانبا)

سوره مبارکه تین

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

در حالیکه سوره علق به آفرینش انسان می‌پردازد، سوره تین، سخن از طراحی **بلد امنی** به میان می‌آورد که انسان در آن رشد پیدا می‌کند تا تبیین مفهوم «مَا لَمْ يَعْلَمْ» برای رسیدن به ژرفای عبارت «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» را دریابد و «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» را در دریافت «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» درک نماید. بازخوانی کلیت سوره‌های علق و تین نشان می‌دهد که خداوند **دوخط سیر فکری** تقریباً متفاوت را در سوره مذکور بیان فرموده است. یعنی در سوره علق به **طغیان آدمی** در برابر خداوند به هنگام **استغنا و بی‌نیازی** اشاره نموده است، در حالی که در سوره تین، سخن از «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» در میان است. تکرار عبارت «أَرَأَيْتَ» در سوره علق - که برای برخورداری از بصیرت، تشخیص درست حق از باطل و بیان مجازات و مکافات انسان طاغی است - فضای سوره را **پرتنش** جلوه می‌دهد، اما در سوره تین، **تعابیر نرم و لطیفی** در ارتباط با مؤمنان و اجر بی‌منت و دائمی ایشان بازگو می‌کند. می‌توان این تغییر لحن ایجادشده در دو سوره را در یک **راستا و مکمل** یکدیگر دانست.

شایان ذکر است «هَذَا الْبَلَدُ» از آن جهت عظمت یافته که **رسول خدائی** که در «فِي أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» خلقت یافته در آن **بلد ساکن** باشد که «أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» در وصف اوست و هر که چون او شود و چون او باقی ماند، نیز بر همین شیوه مورد عنایت الهی خواهد بود. پس هر انسانی که تقویم نیکوی خود را به «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» گره زده، پاداش «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» خواهد یافت.

اما «هَذَا الْبَلَدُ» زمانی برای «فِي أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» ارزش می‌یابد که **تین و زیتونش** نیز در **بهترین شرایط** مهیا شده باشد، که بلدی که کشاورزی و باغداری در آن جایگاه خاص خود را داشته باشد، احسن تقویمش لحاظ خواهد شد، و فرقی نمی‌کند تین باشد یا زیتون یا توت و انار و سیب... این بلد در پرورش فرزندان خود تقویم نیکویی را رقم خواهد زد! **بلد امنی** که علاوه بر **کشاورزی و باغداری، در صنعت و امنیت و توانمندی‌های علمی و رزمی و هنری** نیز به بهترین بلوغ رسیده باشد. و به تحقیق دوری از این شیوه زندگی خود انسان را نیز به اسفل بودن می‌کشاند و سختی‌های زندگی را رقم می‌زند که انسان از علق آفریده شده و برای رسیدن به هدایت کافی است چشمان خود را بهتر به سوی آیات هستی‌ساز قرآن بگشاید.

سوره تین به شکلی جدی **بهترین و پست‌ترین** را در کنار هم رقم می‌زند که در سوره بلد این تفاوت در اعتقادات و عمل تکمیل خواهد شد، امنیت بلد «الَّذِينَ آمَنُوا» ها را رقم خواهد زد که نشانه‌هایی از آن از سوره عصر به بعد بویژه بینه بیان گردید که حضور خود فرد بینه به امن بودن این بلد، صحه می‌نهد و شاید در بلدی چون **کربلا** و در روزی چون **عاشورا** بتوان بارزترین نمونه «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» و «أَسْفَلَ سَافِلِينَ» آن را برای همیشه شاهد بود.

خوش‌منش: سوره تین را می‌توان سوره‌ای با **بافت گیاهی و گفتمان انسانی** خواند... می‌توان سیر یکپارچه این چهار نام و اشارات نمادین آن‌ها را نیز مد نظر قرار داد: (تین، زیتون، طور، مکه) همه این‌ها **مراحل سیر انسان** و آمدن برگزیدگان را نشان می‌دهد که در قرآن آمده است.^۱

قسمت بیستم

شماره سوره: سوره نود و پنجم (بیستم از

آخر) مکی و دارای ۸ آیه

نام‌های دیگر: زیتون؛ تین و زیتون

شرح لغات: تین: انجیر؛ تقویم:

برگردانیدن چیزی بر آنچه که

شایسته است.

سوره زوج: سوره علق

گروه سوز: سوره آغاز شده با (و)

محمور موضوع: آفرینش انسان در

احسن تقویم؛ و گرایش کفار از این تعدیل

به اسفل سافلین

تفسیر روای: تفسیر البرهان:

مراد از «والتین و الزیتون» امام

حسن (ع) و امام حسین (ع) هستند.

و مراد از «دین»

در آیه هفتم، ولایت امیرالمؤمنین معرفی

شده و منظور از «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ» در آیه ششم، آن حضرت

و شیعیان اویند. و نیز نقل شده است مراد

از «بلد امین» پیامبر (ص) است.

فضیلت قرائت: طبرسی:

از پیامبر (ص) نقل است: «هر کس

این سوره را بخواند، مادامی که در

دنیاست، خداوند به او سلامتی و یقین

می‌دهد، و پس از مرگ، به تعداد کسانی

که این سوره را خوانده‌اند، ثواب یک

روز روزه را پاداش او قرار می‌دهد.



تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت سوم



مرز دارد. حد دارد. پیغمبر این قدر ملتزم بود. این مسئله است.

ملکات خوب هم از بین رفتنی اند

از کجا شروع شود؟ از ظاهر؛ چه پدر، چه مادر و چه بچه؛ چه شکل ظاهری، چه گفتار و چه کردار. از اینجا باید

شروع کنی تا بعد به تدریج در درون تو ملکه شود. تازه این را به شما عرض کنم این گونه نیست که ملکات زائل

نشود؛ بلکه ملکات زائل می شود. اگر یک کسی ردیله ای مثل حرص، کبر و امثال این ها در او بود، چگونه آن ها را

مداوا کند وقتی که قابل زائل شدن نیست؟! اصلاً اگر این ها قابل معالجه نبود، این همه

دستورات که نبود! ملکات هم زائل می شود. هیچ فرقی هم بین ملکه سیئه و حسنه نیست. ملکه

انسانی یا ملکه الهی هم که باشد اگر از اعمال ظاهریه دست برداری، این ملکه زائل می شود و از بین می رود. یک رابطه تنگاتنگ بین ظاهر و باطن است.

کاری به ظاهر نداشته باش! یا برو دلت را صاف کن! غلط است

این طور نیست که یک کسی باطن خوب داشته باشد، در عین حال ظاهر بدی داشته باشد. من این ها را می گویم

چون خیلی این حرف ها بر سر زبان ها می گردد. می گویند: به ظاهرش نگاه نکن! باطن خوبی دارد. از آن طرف،

می گوید برو دلت را صاف بکن!

اگر ظاهر مهم نبود، چرا مقرب ترین بنده خدا خود را به سختی می انداخت؟

نمی شود! نمی شود! اگر می شد عقل کل عالم وجود، مقرب ترین شخص به خدا که انسانی مافوق او نبود، او که

دست بر نمی داشت! این قدر مقید به آداب ظاهره بود؛ چه از نظر انسانی اش، چه از نظر الهی اش؛ که خدا خطاب به

او فرمود: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ» ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که تو خود را به سختی بیاندازی؟

خودت را چرا این قدر به زحمت می اندازی؟ این

شهید «صدیقه رودباری» از قاب اسوه

**آنان که وامدارشان هستیم
یعنی دین ما سنگین است، دینی به اندازه جان...**

محیا خوبرو



«در ابتدا توجه شما را به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌کنم.»
سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوپردازی‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینکه چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می‌فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»
بحث الگو و اسوه‌داشتن فقط برای مواردی که برشمرديم نیست.

یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته‌ایم.

نام «صدیقه رودباری» را که جست‌وجو کنیم، ذکر سیلی او به سرباز گارد شاهنشاهی برجسته می‌شود. سربازی که حضرت روح اله (اعلی الله مقامه) را سبب بی‌نظمی خواند و صدیقه شانزده ساله که جان‌ش شده بود حضرت روح اله، چنان شجاعتی در دفاع از نام ایشان به خرج داد که سر زبان‌ها افتاد.

صدیقه رودباری عاشق امامش بود، همین بود که وقتی فرمانش را می‌شنود که بروید و ایران را با جهادتان بسازید، ذره‌ای تردید نمی‌کند و راهی دیاری می‌شود که کمینگاه منافقان است؛ سخت‌ترین میدان را انتخاب می‌کند که نشان دهد می‌توان دختر بود و در حجاب زینبی خطبه خواند، می‌توان جوان بود و آمال و آرزوهای آسمانی داشت، می‌توان پر شور و حرارت بود و در راه حق قدم برداشت.

مادرش روایت او را این‌گونه می‌سراید: «صدیقه از نظر اخلاقی واقعاً نمونه بود. با اکثر خویشاوندان که دارای دختران جوان بودند رفت و آمد می‌کرد. و خیلی تلاش می‌کرد که آن‌ها را به راه بیاورد. او دوستی داشت که از نظر فکری منحرف بود؛ برای همین هم ساعت‌ها با او صحبت می‌کرد و او را نصیحت می‌کرد. او روی خیلی از دوستانش اثر گذاشته بود و حتی چندتایی از آن‌ها را که بی‌خط بودند کاملاً به راه آورده بود طوری که حتی خانواده‌های آن‌ها نیز به راه آمده بودند.»

خواهرش می‌گوید: «شب‌ها چراغ اتاقش تا نیمه شب روشن بود، صبح که می‌رفتم می‌دیدم کتاب‌ها دورش ریخته و تمام حرف‌هایش را روی کاغذ آورده. اکثر شب‌ها نماز شب می‌خواند و

هر شب بعد از نماز شب، ساعت‌ها با خدا راز و نیاز می‌کرد و از او شهادت می‌طلبید. و از من نیز می‌خواست که دعا کنم تا او شهید شود. ما اصلاً نمی‌دانستیم او طبع شعر هم دارد. تکه‌های جالب ادبی دارد که در مورد امام و انقلاب و شهادت است و این مسائل از اوایل انقلاب در فکر او بوده و از ابتدا هم به فکر شهادت بوده است.»

صدیقه به کردستان می‌رود تا مردمی را که در خفقان منافقان گرفتار شده‌اند نجات دهد و آن‌قدر در این کار می‌درخشد که نامش وارد فهرست ترور نامردمان می‌شود و برایش پیغام می‌فرستند که: «پوست تنت را می‌کنیم و آن را پر از گاه می‌کنیم.» اما او که در مکتب علوی پر و بال گرفته، نه تنها هراسی به دل راه نمی‌دهد؛ بلکه مصمم به راه خود ادامه می‌دهد.

مرداد سال ۵۹، روزی بود که صدیقه و دوستانش خسته از مداوای مجروحین و درحالی‌که پا به پای پاسداران دویده بودند، در اتاقی دور هم نشسته و استراحت می‌کردند. در همین هنگام دختری وارد جمع ۳ نفره‌شان شد. صدیقه او را می‌شناخت. گاهی او را در کتابخانه دیده بود. آن دختر به بهانه‌ای اسلحه صدیقه را برداشت و مستقیم گلوله‌ای به سینه‌اش شلیک کرد. پاسداران با شنیدن صدای شلیک گلوله به سرعت به سمت اتاق دویدند. محمود خادمی خود پیکر نیمه جان صدیقه را به بیمارستان رساند. او بیشتر از ۳ ساعت زنده ماند و بالأخره به آرزوی خود که شهادت بود رسید.

او به درجه رفیع شهادت رسید و مفتخر شد به‌عنوان اولین شهیده جهاد سازندگی.

اللهم ألقنا بالشهداء...

گروهی غذا خوردن

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: محبوب ترین غذا نزد خدا آن است که دست‌ها بر آن بسیار باشد. جمعی غذا بخورید و پراکنده نباشید؛ چرا که برکت در اجتماع است.

همچنین می فرماید: بدترین مردان شما کسانی‌اند که تنها غذا می‌خورند. نیز می فرماید: هرگاه غذا خوردن با چهار ویژگی همراه باشد کامل خواهد بود؛ از حلال باشد، دست بر آن بسیار باشد، با بسم الله آغاز شود و با الحمد لله پایان پذیرد.

مفاتیح الحیات، ص ۱۴۵

ما محمد الصادق جعفر آقا

ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است

ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست.

و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین (علیهم صلوات الله) و متعهد به پیروی آنانیم. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان (علیهم آلائم التحیات والسلام) که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیاتبخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی (علیهما السلام) و «صحیفه سجادیه» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ماست.

فاتح خرمشهر شهید شد

روایت شهید حاج قاسم سلیمانی از شهید حاج احمد کاظمی در فتح خرمشهر



من تصورم این بود که وقتی خبر شهادت احمد گفته شد، حداقل تیر هفته روزنامه های ما باید این جمله باشد که «فاتح خرمشهر شهید شد.» همان طور که وقتی بزرگی از ما در ادبیات، در هنر و در هر چیزی از بین ما می رود بلافاصله تیر می زنیم «پدر علم ریاضی» ایران از دنیا رفت. فکر می کنم حقی که احمد به گردن ملت ایران داشت از حقی که دیگر اندیشمندان مختلفی که مورد تجلیل هستند دارند، کمتر نباشد. ما در مرحله اول جنگ یعنی در آن سلسله عملیات های اصلی جنگ که دشمن را در داخل خاک خودمان شکست دادیم، برمی خوریم به چهره های محدودی که اینها محور اصلی جنگ بودند و مشهور هم هستند بین اهل جبهه، اما شاید در جامعه ما غریب باشند. از جمله کسانی که غریب بود شهید کاظمی بود. خوب شهید کاظمی محور چندین فتح بزرگ بود، می توانم بگویم او شاه کلید فتوحات جنگ بود. یکی از برجستگی های شهید کاظمی هم همین بود؛ یعنی اگر گفته بشود که زیرک ترین فرمانده ما در جنگ احمد بود. حتما سخن گزافی گفته نشده است.

من یادم هست توی عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد فکر می کنم روز پانزدهم، شانزدهم بود که تقریباً جبهه شمالی رسیده بود به کوشک. جبهه میانی از سمت دارخوئین رسیده بود به ایستگاه حسینیه و از طرف مرز به پاسگاه زید؛ یعنی محدوده خرمشهر کامل باقی مانده بود.

اما دشمن عقبه اش از دو جهت وصل بود، هم از سمت شلمچه وصل بود، هم از سمت اروند و می توانست بیاید داخل شهر و آنجا تردد کند. در آن نقطه هم عرض رودخانه اروند سیصد الی چهارصد متر بیشتر نیست. خوب همه خسته شده بودند. چون تقریباً شانزده روز هیچ کس پلک نزده بود. بچه ها شبانه روز درگیر جنگ بودند. احساس می شد که نیاز به تجدید قوا دارند. فکر می کنم بدون استثنا همه فرماندهان در سطح عالی زخمی شده بودند. یعنی حسین خرازی زخمی شده بود. خود احمد زخمی شده بود. متوسلیان زخمی شده بود که با برانکارد توی آمبولانس، عملیات را هدایت می کرد. جنگ سختی بود. توی این موقعیت، شب همه جمع شده بودند توی قرارگاه فتح. بحث اصلی این بود که ما نیاز به تجدید قوا داریم و باید بنشینیم تصمیم بگیریم و یکی دوهفته استراحت کنیم و بعضی هم می گفتند عملیات طول نکشد و سریعاً انجام بدهیم.

آنجا خدا رحمت کند شهید حسن باقری یک سخنرانی معروف کرد. همه نشسته بودند، بلند شد و گفت: «ما به مردم قول دادیم و هی گفتیم خرمشهر در محاصره است و مردم ما تصورشان این بود که امروز و فردا خرمشهر را آزاد می کنیم. ما مگر می توانیم برگردیم پشت جبهه تا اینکه بتوانیم تجدید قوا کنیم؟» و شروع کرد به استدلال کردن. صحبت حسن بر همه تأثیر گذاشت و تصمیم گرفتند ادامه عملیات انجام شود. آنجا سه لشکر برای فتح خرمشهر انتخاب شدند که یکی شان تیپ ۸ نجف اشرف بود و شهید کاظمی فرمانده آن بود. در فتح خرمشهر، احمد در واقع محوری را انتخاب می کرد که سخت ترین محور بود. احمد فلشی را انتخاب کرد که هم برای خودش خطرناک بود و هم اینکه یک ضربه مهلکی بر دشمن بود. او می توانست بیاید و عقبه خودش را بدهد به جبهه خودمان که حداقل اگر گیر افتاد برگردد عقب و از روبرو به دشمن بزند. یا اینکه محوری بگیرد که اصلاً از کنار جاده برود جلو اما این کار را نکرد. آمد بین دشمن و در نزدیکی خرمشهر مستقر شد و عقبه دشمن در شرق شلمچه که وصل می شد به بصره را، که راه خشکی دشمن برای رسیدن به خرمشهر بود را یک شکاف ایجاد کرد و آمد از همین شکاف باریک وارد شد و از کنار نهر عریض رفت به طرف خرمشهر. شهر را کامل دور زد و اولین فرماندهی که وارد شهر شد، احمد بود و خرمشهر را فتح کرد. فاتح خرمشهر به معنای واقعی شهید کاظمی بود.



ما چشم به راه و منتظر صدای

آسمانی شما هستیم

محیا خوبرو

گاهی فکر می‌کنم

شما اگر نبودید چه می‌شد ما را؟

فرمودند: اگر ظهور هم نبود، بندگی ما سر جایش

بود.

این درست، اما خدا عجب مهتری دارد به ما...

که شما را قطب امنیت و امید روزهای سخت دنیایی

ما قرار داده...

و هر زمان پایمان بی‌قوت می‌شود در راه

به این فکر می‌کنیم که ما محبّ و سرباز کسی

هستیم که یکی از همین روزها می‌رسد و در کنارش

ظلمت‌ها می‌رود و نور پیروز بر سیاهی باطل می‌شود.

می‌آید و عدالت علی (علیه‌السلام) برقرار و پایدار

می‌گردد...

این‌گونه امید است که ما چشم به راه و منتظر صدای

آسمانی شما هستیم.

آنگاه که ندا می‌دهید:

ألا یا أهل العالم أنا الإمام القائم،

ألا یا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم،

ألا یا أهل العالم إن جدی الحسین قتلوه عطشان،

ألا یا أهل العالم إن جدی الحسین (علیه‌السلام)

طرحه عرباناً،

ألا یا أهل العالم إن جدی الحسین (علیه‌السلام)

سحقوه عدواناً

مرکز آموزش مجازی نوکاو با همکاری مرکز مشاوره

نورزندگی برگزار می کند.



زهرا جهانگیرزاده

کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت گرا
دانش آموخته سطح پایه مهارت های تسهیلگری
مدرسه سیمرغ



سمیه امین

تسهیلگر مهارت های ارتباطی و دوره های
والدگری، دانش آموخته سطح پیشرفته مهارت های
تسهیلگری از مدرسه سیمرغ

بُرنا

نگاه نوبه دنیای نوجوان

در کنار هم، تا پایان این دوره:

- نوجوانی را از منظر عصب شناختی و دوره رشدی می شناسیم.
- به احساسات و نیازهای خود و نوجوان متصل می شویم.
- در دنیایی از خودشفقتی و ذهن آگاهی، با موانع ارتباط با نوجوان مواجه می شویم.
- ارتباطات سازنده و کارآمد و رضایت بخش با نوجوان خلق می کنیم.

بُرنا برگرفته از محتوای دوره "پرنیان" مدرسه سیمرغ می باشد.

تاریخ برگزاری:

چهارشنبه ها ۶ جلسه ۳ ساعته

از ۲۱ اردیبهشت تا ۲۴ خرداد - ساعت ۱۶ تا ۱۹

جهت ثبت نام با شماره های زیر در ارتباط باشید

۰۲۱۵۵۳۹۰۱۲۰
 ۰۲۱۵۵۴۸۲۰۲۵
 ۰۹۳۹۲۵۰۵۷۸۳



مرکز آموزش مجازی نوکاو
Nokav Virtual Training Center

www.nokavedu.ir



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات تبار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباط با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.osvehedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهار راه لشکر - روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵